

Anatomy of the JCPOA in the EU-Iran Relations with an Emphasis on the Role of the European Troika

Aminollah Mirzaei PhD student in Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: aminmirzaeestar1@gmail.com

Habibolah Abolhasan Shirazi *Corresponding* Author, Professor of International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran E-mail: habib_shirazi@yahoo.com

Sosan Safaverdi Assistant Professor of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: safaverdi.so@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

European Union,
JCPOA Geopolitics,
Iran,
The European Troika,
America.

ABSTRACT

This article tries to examine the relations between Iran and the EU. The question that can be asked in this article is that the approach of the European Union and the three countries What has happened to England, France and Germany in the development of relations with Iran since the formation of the JCPOA? In response, we can hypothesise that at the time of the formation of the JCPOA, the EU and the three prominent countries of England, France and Germany along with the US had a common approach; however, after Trump came to power and withdrew from the JCPOA, the EU tried to force the other parties to comply with the clauses mentioned in the JCPOA. However, with the return of primary and secondary sanctions from the US, the EU was forced to adopt a passive and aligned approach with the U.S. The results of the research indicate that the three European countries, together with the US, intend to maintain the measures related to nuclear proliferation and the arms and missile embargo against Iran.

Cite this Article: Mirzaei, A., Abolhasan Shirazi, H., & Safaverdi, S. (2024). Anatomy of the JCPOA in the EU-Iran Relations with an Emphasis on the Role of the European Troika. *International Relations Researches*, 14(1), 111-143. doi: 10.22034/irr.2024.457180.2543



© Author(s)

Publisher: Iranian International Studies Association

DOI: 10.22034/irr.2024.457180.2543



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کالبدشناسی برجام در روابط اتحادیه اروپا و ایران

با تاکید بر نقش تروئیکای اروپایی

امین میرزایی دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

aminmirzaestar1@gmail.com

حبیب اله ابوالحسن شیرازی نویسنده مسئول، استاد روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران رایانامه: habib_shirazi@yahoo.com

سوسن صفاوردی استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران رایانامه:

safaverdi.so@gmail.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	از آغاز بحران هسته ای، اتحادیه اروپا خود را یکی از طرفهای اصلی حل و فصل مسئله هسته ای ایران معرفی نموده است و این موضوع از سوی ایران نیز، مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما تاکنون روابط دو طرف در طول بیش از سه دهه نه تنها نهادینه نشده؛ بلکه با فراز و نشیب همراه بوده و در دوره هایی به سردی گراییده است. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به دنبال بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا قبل از شکل گیری برجام و پس از آن می باشد. سوال قابل طرح در این مقاله آن است که رویکرد اتحادیه اروپا و سه کشور مطرح انگلستان، فرانسه و آلمان در توسعه روابط با ایران از شکل گیری برجام تا اتمام ریاست جمهوری ترامپ چه بوده است؟ در پاسخ می توان این فرضیه را مطرح نمود که در زمان انعقاد برجام، اتحادیه اروپا و سه کشور مطرح انگلستان، فرانسه، آلمان به همراهی آمریکا یک رویکرد مشترک داشتند؛ اما با روی کار آمدن ترامپ و خروج از برجام، اتحادیه اروپا سعی کرد سایر طرفین را ملزم به رعایت بندهای ذکر شده در برجام کند اما با بازگشت تحریمهای اولیه و ثانویه از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا رانماچار به اتخاذ رویکردی منفعلانه و همسویا ایالات متحده کرد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که سه کشور اروپایی مذکور در همراهی با آمریکا قصد دارند اقدامات مربوط به اشاعه هسته ای، تحریم تسلیحاتی و موشکی علیه ایران را حفظ کنند.
کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، ژئوپلتیک برجام، ایران، تروئیکای اروپا، آمریکا	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱	

استناد به این مقاله: میرزایی، امین الله، ابوالحسن شیرازی، حبیب اله، & صفاوردی، سوسن. (۱۴۰۳). کالبدشناسی برجام در روابط اتحادیه اروپا و ایران با

تاکید بر نقش تروئیکای اروپایی. پژوهش های روابط بین الملل، ۱۱(۱)۱۴، ۱۳۳-۱۱۱-۱۳۳. doi: 10.22034/irr.2024.457180.2543

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





ایران با بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا به لحاظ تاریخی دارای روابط چند صد ساله بوده است و در بسیاری از مقاطع تاریخی، روند و ماهیت روابط متقابل دولتهای حاکم بر ایران و کشورهای مزبور، نقش اساسی در شکل گیری تحولات داخلی ایران، تحولات منطقه ای و بعضا مناسبات جهانی داشته است. از بدو پیروزی انقلاب، روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا با فراز و نشیب های فراوانی مواجه بوده است. این فراز و نشیبها از تنشهای مزمن در روابط دوجانبه نشأت گرفته است. در طول این مدت دولتهای مختلف بر اساس گفتمان های واقع بینانه و آرمان گرایانه جهت گیری سیاست خارجی خود را با اتحادیه اروپا تنظیم کرده اند. یکی از ویژگیهای اصلی در سیاست خارجی ایران تلاش مداوم برای ایجاد توازن بین قدرتهای بزرگ و یا همکاری با یکی بر علیه دیگری بوده است. این در حالی است که ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک از موقعیت منحصر به فرد بین المللی برخوردار است که سبب شده ایران همواره در کانون توجه قدرتهای بزرگ قرار گیرد. از این رو اتحادیه اروپا برای ایفای نقش فعال در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهان توسعه روابط با ایران بوده است. اما اتحادیه بر اساس هنجارها و منافع خاص خویش سیاست خارجیش را در قبال جمهوری اسلامی تنظیم کرده است که نتایج آن را به شکل تحریم و قطع رابطه دیپلماتیک تبلور پیدا کرده است. روابط اتحادیه اروپا با فراز و نشیبهای زیادی بعد از انقلاب اسلامی ایران مواجه بوده است و چگونگی این رابطه تحت تاثیر مسائل مهمی از جمله: جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدور فتوای قتل سلمان رشدی، حکم دادگاه میکونوس و پرونده هسته ای قرار گرفته است. با آغاز بحث پرونده هسته ای ایران، کشورهای اروپایی سعی کردند محوریت خود را در مناسبات میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی حفظ نمایند. سرانجام همراهی اروپا با آمریکا پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت ارسال نمود. در دوران دولت احمدی نژاد بخاطر موضوعاتی متعددی از جمله موضوع انرژی هسته ای روابط ایران و اتحادیه اروپا به پایین ترین سطح خود رسید و با روی کار آمدن دولت روحانی و طرح شعار تعامل با دنیا و حل بحران موضوع هسته ای ایران با غرب و مذاکرات ۵+۱ نهایتا توافق بین ایران در مردادماه ۱۳۹۴ حاصل گردید و دوره جدیدی در روابط دو طرف شکل گرفته است. این تحقیق به دنبال تأثیر این توافق در روابط دو طرف مسئله است و چگونگی تأثیر این روابط را در حوزه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بررسی می کند. لذا در این مقاله به کمک نظریه نئولیبرالیسم و رهیافت تحلیلی تحریم ها و ساختارهای وابستگی اروپا به آمریکا به دنبال بررسی تأثیر برجام بر



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دلایل ایجاد، گسترش و تقویت سازمانهای بین المللی در طول قرن بیستم و سالهای اخیر بوده است. همه این دلایل، نوعی وابستگی متقابل را برای کشورهای جهان ایجاد کرده، بطوریکه انزوای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک کشور او را از تمدن معاصر و دستاوردهای آن جدا می سازد. بنابراین باید سازمانهای بین المللی را به عنوان کارگزاران نظام بین المللی و مکانیسم های همبستگی مورد ارزیابی قرار داد. این سازمانها از ابتدای این قرن، بی آنکه وقفه ای در کار بوده باشد، گسترش یافته و خصوصا پس از جنگ جهانی دوم، رشد حیرت انگیزی داشته و به همین دلیل اهمیت فوق العاده یافته اند. این پدیده در واقع «بعد» بین المللی جدیدی است که به «بعد دولتی» که البته از میان نرفته و به علت سنتی بودنش همچنان به صورتی بسیار محدود باقی مانده، افزوده شده است. اما از طرف دیگر، آنچه دنیای بین المللی حاضر را در نوع خود ممتاز ساخته است تنها حضور سازمانهای بین المللی نیست که در کنار کشورهای عضو جای گرفته اند بلکه تاثیری است که این سازمانها در اداره امور اقتصادی و اجتماعی از خود به جای گذاشته اند. در مجموع می توان گفت که دیدگاه لیبرال و در کنار آن نولیبرال نسبت به سازمانهای بین المللی یک متغیر وابسته به قدرت نیست که صرفا در خدمت قدرت باشد؛ بلکه مستقل از قدرت است و حتی به عقیده برخی از متفکرین این رهیافت از جمله «میترا نی» قبل از وجود دولتها هم این همکاریها وجود داشته است. لذا دولتها تنها کنشگران نظام بین الملل محسوب نمی شوند بلکه علاوه بر آنها سازمانهای بین المللی دولتی و غیر دولتی، شرکتهای فراملی، گروه ها و نهادهای فراملی و حتی افراد هم در نظام بین الملل به ایفای نقش می پردازند و اهمیت زیادی دارند. (آقایی، ۱۳۸۷: ۸۷)

۲. بررسی مکاتب فکری سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه در تعامل با آمریکا

در اینجا به منظور آشنایی هر چه بیشتر با نوع نگرش مکاتب فکری و مفروضات کشورهای اروپایی بر اساس نظریه نئولیبرالیسم به خصوص سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه در تعامل با جمهوری اسلامی ایران در باره موضوع همکاری هسته‌ای با ایران می پردازیم.

مکتب فکری انگلیسی:

در مکتب فکری و اندیشه ورزی انگلیسی مفروض این مکتب عمل گرایانه این است که چند جانبه گرایی یک رویکرد مناسب و برآمده برای حل و فصل مسائل و مشکلات در سطح نظام بین المللی می باشد و بایستی با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و امنیتی محیط منازعه از این رویکرد استفاده شود. دیدگاه



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جهان قانون مدار را شکل می دهد. تنها جنبه منفی این رویکرد آن است که طرفداران این اندیشه علاقه زیادی به تحلیل تهدید و خطر نداشته و بدون توجه به مشکلات کنونی جهان مثل پدیده تروریسم، ثبات منطقه ای بیشترین تمرکز بر روی چند جانبه گرایی به عنوان مسئله ای که به خودی خود « فایده » است توجه داشته و ارزش می نهد. سیاستمداران و افرادی که با رویکرد چند جانبه گرایی در آلمان مخالفت نمایند معمولاً با عناوین جنگ جویان جنگ سرد، جنجال آفرینان و جنگ افروزان مورد انتقاد قرار می گیرند. از نظر این رویکرد خطراتی که دنیا را تهدید می کند شامل تغییرات آب و هوایی، مهاجرت های بین المللی و حفظ محیط زیست می باشد.

مکتب چند جانبه گرایی آلمان بر اساس این گرایش فکری و اندیشه ورزی به طور عمده در چهار مورد تعریف می شود: ۱- رعایت دقیق حقوق بین الملل و جستجو برای توسعه بیشتر آن به عنوان امری که به خودی خود « هدف » می باشد. ۲- تاکید و تمرکز بر روی رویکرد چند جانبه گرایی و اجماع سازی به عنوان اساسی ترین راه جهت پرداختن به مسائل بین المللی. ۳- چشم پوشی از استفاده از زور، فقط در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل مجوز آن را صادر کند. ۴- داشتن نگرش وسیعی به مسئله امنیت، یعنی وارد کردن مسائلی که جزو دستور کار سنتی امنیت نبوده اند. مانند: تغییرات آب و هوایی، محیط زیست، حقوق بشر و مسائل مربوط به جنسیت. (Joachim krause, 2001)

مکتب آلمانی هم اکنون دارای طرفداران زیادی در سطح اتحادیه اروپا بوده و اغلب کشورهای دارای احزاب سوسیالیست و لیبرال از این رویکرد فکری حمایت می کنند. هم چنین در بیشتر موارد، جامعه دانشگاهی اروپا و به خصوص نهاد گرایان لیبرال از دیدگاه آلمانی حمایت می کنند.

مکتب فکری فرانسوی

در خصوص مکتب فکری فرانسوی اگر چه در حال حاضر به نظر می رسد که مشابه رویکرد همتهای آلمانی خود می باشد. اما در واقع دیپلماسی فرانسه به یک منطق سیاسی دیگری پایبند می باشد. نکته تفاوت دیدگاه فرانسویان با آلمانی ها در نوع نگاه و ارزیابی آنها نسبت به خطرات احتمالی می باشد. نوع درک از خطر در فرانسه بدبینانه تر و به احتمال زیاد واقع گرایانه تر از سیاستمداران آلمانی می باشد. سیاستمداران و اندیشمندان فرانسه در ارزیابی از خطرات، به خصوص در مسائلی مانند ثبات منطقه ای، گسترش سلاح های کشتار جمعی و تروریسم، بیشتر به اندیشمندان آمریکایی شباهت دارند. فرانسه به منظور ثبات جهانی، بر خلاف آلمان، آماده استفاده از زور در مناطق بحرانی می باشد. (Tagliabue, 2010)



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۳. رهیافت تحلیلی: تحریم ها و ساختارهای وابستگی اتحادیه اروپا به آمریکا

در نگاه سنتی، تحریم ها به منظور کاهش منابع در دسترس دولت هدف و در نتیجه آن، کاهش دارایی عمومی و ایجاد حس محرومیت در جامعه هدف اعمال می شدند و عقیده بر این بود که «اگر مردم به اندازه کافی رنج ببرند، به دولت خود فشار خواهند آورد تا با تغییر رفتار موجب برچیده شدن تحریم ها شود.» در نتیجه تحریم، مجموعه اقداماتی است که از جانب دیگر دولت یا دولتها به منظور فشار بر دولت دیگر اعمال می شود از جمله این اقدامات می توان به تحریم های مربوط به سلاح، تحریم های تجاری، توقیف (بلوکه) کردن اموال و داراییها و محدودیت هایی بر عبور و مرور از کشوری به کشور دیگر اشاره کرد که همه به منظور مجازات دولت هدف، ایجاد نفوذ، منزوی کردن و ایجاد محدودیت بر ملل معارض و مخالف انجام می گیرند (Piri and Sohrabi, 2019: 1565-1545). ساختار تحریم های آمریکا به دو دسته تقسیم می شود:

۱. تحریم های اولیه شامل بلوکه دارایی و تحریمهای تجاری، شهروندان و شرکتهای از سوی کشور تحریم کننده می شود که انجام برخی فعالیتها با همتایان خود از کشور تحریم شده را ممنوع می کند، مانند تحریم اشخاص، بانکها و شرکتهای در ایران. (Moehr, 2018: 2) در تحریم های اولیه، کشور تحریم کننده، شرکتهای و اشخاص را از انجام معامله با شرکای خود در کشور تحریم شده، بازمی دارد. شمول این تحریم ها شهروندان آمریکا، کالاهای با مبدأ آمریکا، انجام معامله در خاک آمریکا و یا سرزمین های واقع در دایره تسری ۱۰ قوانین آمریکا را در بر می گیرد. (World Economic Forum, 2018: 3)

۲. تحریم های ثانویه که در طیف تحریم های فراسرزمینی قرار می گیرد به شخص ثالث فشار می آورد؛ در واقع با تهدید به قطع دسترسی شخص ثالث به کشور تحریم کننده، آنها را مجبور می کند فعالیتهای خود را با کشور تحریم شده متوقف کنند (Moehr, 2018: 4) آمریکا و چین به طور فزاینده ای به دنبال گسترش دامنه قوانین داخلی خود در خارج از کشور هستند و شرکتهای و مردم خارجی را مجبور می کنند تا به خواست واشنگتن یا پکن عمل کنند. تأثیر چنین تحریم های فراسرزمینی ناشی از ملاحظات سیاسی است، اگرچه غیرمستقیم، چالشهای جدی برای اتحادیه اروپا ایجاد می کند. در واقع، زمانی که تحریم ها توسط نهادی مانند شورای امنیت سازمان ملل یا شورای اتحادیه اروپا برای وادار کردن نهادهای هدف به توقف اقدامات نادرست بین المللی خود، اعمال یا مجاز می شوند، در این صورت معمولاً مسائل مربوط به صلاحیت فراسرزمینی مطرح نمی شود؛ اما این ادعاها به طور فزاینده ای در زمینه مسائل اقتصادی مطرح شده است که به موجب آن برخی از دولتها، به ویژه آمریکا، به دنبال اعمال قوانین خود



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



داد(سلمانی، برزگر؛ ذاکریان و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۲-۲۰۲). تحریم های ثانویه به علت سیاست فشار سیاسی حداکثری و تهاجم اقتصادی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران به چالشی اساسی برای اتحادیه اروپا تبدیل شد. آسیب پذیری اروپا عمدتاً ناشی از وابستگی نامتقارن به اقتصاد آمریکا به علت حجم بازار آمریکا و نقش جهانی دلار می باشد. خروج دولت ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اعمال تحریم ها، منافع کشورهای اروپائی در بخش عدم اشاعه هسته ای را خدشه دار نموده و توانائی محدود آنان جهت اجرای راهبرد مستقل در قبال ایران را کاهش داده است. پایتخت های کشورهای اروپائی به این حقیقت رسیدند که به واسطه تحریم های ثانویه، واشنگتن می تواند، عامل دسترسی به بازار آمریکا را به عنوان یک منبع قدرت سیاسی علیه آنها بکار گیرد. از آنجائی که آمریکا یکی از بزرگترین شرکای تجاری و مالی اروپا می باشد، به سختی می توان یک تجارت اروپائی را یافت که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با بازارها و سیستمهای آمریکائی مرتبط نباشد. با توجه به قدرت نفوذ زیاد برای دسترسی به بازیگران اروپا و قطع ارتباط آنها با بازار آمریکا، اداره خزانه داری آمریکا در مواقع اختلاف سیاسی اروپا و آمریکا، به عنوان نیروی غالب و برتر عمل می کند. لذا تنها تهدید به تحریمهای ثانویه علیه نهادهای اروپائی، به خروج شرکتهای اروپائی از ایران و نادیده انگاشتن توافق هسته ای انجامید، توافقی که به عنوان دستاورد سیاست خارجی اروپا مطرح می باشد.

دولتهای قبلی آمریکا نیز تحریم های ثانویه را بکار بستند، ولی شیوه استفاده دولت ترامپ از آنها، معضلات بی سابقه ای را برای اروپا به وجود آورد. اتحادیه اروپا و اعضای آن، علیرغم شتاب برای یافتن اقدامات متقابل با هدف محدود ساختن اثرات تحریم ها بر منافع تجاری و راهبردی خود (اینستکس و قانون مسدودسازی)، قادر به تغییر مواضع واشنگتن نشدند. آنان همچنین توفیقی در بازداشتن شرکتهای اروپائی در تبعیت کامل از تحریم های ثانویه آمریکا، کسب نکردند. (حاجی مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۳۱-۲۳۰) تحریم های ثانویه درنهایت ادامه فعالیت شرکتهای اتحادیه اروپا به بازار آمریکا را به خطر می اندازد. این امر شرکتهای را وادار می کند بین دسترسی به بازار ایران و بازار آمریکا- ۴۵ برابر اندازه ایران- یکی را انتخاب کنند. تعداد زیادی از شرکتهای قبلاً قصد خود را برای ترک ایران

اعلام کرده اند تا خطر دسترسی به بازار آمریکا را به خطر نیندازد. (Lowy Institute, 2018: 3)

بنابراین می توان چنین استنباط نمود که شرایط دوقطبی جنگ سرد و نیاز اروپا به آمریکا باعث شد ساختارهای وابستگی اروپا به آمریکا حتی بعد از دوران جنگ سرد باقی بماند و توان و قدرت آمریکا مانع از بازیگری فعال و مستقل اتحادیه در قلمرو سیاست بین الملل شود. این روند نیز در قبال برجام



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شد. چهار قطعهنامه تحریمی فوق شورای امنیت، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها را در بخش‌های مختلف و به ویژه اقتصادی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نموده و این تحریم‌ها بخش قابل توجهی از درآمد های نفتی کشور را نیز در کشور مبداء مسدود نمود. در مجموع بخش‌های مختلف اقتصادی در کشور درگیر موضوع تحریم‌ها شدند و این مهم موجب فشارهای قابل توجهی بر معیشت مردم و رفاه اجتماعی گردید. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران ضمن امنیتی سازی موضوع هسته‌ای کشور ایران به مسئله امنیتی در نظام بین الملل تبدیل شد. در واقع با شکل‌گیری مسئله هسته‌ای کشور و ایجاد فضای امنیتی، این دو مولفه باعث ایجاد موج جدیدی از ایران‌هراسی و افزایش تهدیدات علیه کشور شد و پرده میان ایران و آمریکا را تقویت کرد. به گفته رابرت هانتر سفیر پیشین آمریکا در ناتو « اسرائیل و اعراب خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی، می‌خواهند که پرده میان ایران و عربستان سعودی هیچ‌گاه کنار زده نشود. » چون احساس می‌کنند در صورت کنار رفتن این پرده هم اهمیت استراتژیک خود را از دست می‌دهند و هم امتیاز سواری رایگان را از دست خواهند داد. (بهرامی پور، الفتی و حاضری، ۱۴۰۲: ۴۴) اثرات تحریم بر صنعت نفت شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱-تنزل جایگاه ایران در سازمان اوپک، ۲- حذف ایران از مسیر خطوط لوله انتقال نفت و گاز؛ ۳- تاثیرات تحریم بر تاسیسات و خطوط انتقال در داخل کشور، ۴- کاهش صادرات نفت و گاز و خارج شدن از خطوط لوله بین المللی؛ ۵- از دست دادن سوپ نفت و گاز از آسیای میانه به سمت غرب، ۶- کاهش شدید در آمدهای نفتی؛ ۷- کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، ۸- توقف طرح‌های پالایشی؛ ۹- ناپایداری گاز در شبکه داخلی، تعطیلی صنایع و آلودگی محیط زیست. (شکوه، ۱۳۹۵: ۱۲)

ب: اثرات تحریم بر حوزه پولی و مالی در ایران

به علت اعمال تحریم‌های شش‌گانه سیاسی علیه نظام پولی و مالی، کشور در شرایط بسیار وخیمی قرار گرفت و نرخ‌های بالای تورم، نرخ رشد پایه پولی و نقدینگی بالا، محدودیت در ارائه تسهیلات، افزایش نرخ بیکاری را تجربه کرد که اثرات تحریم بر مولفه‌های زیر تاثیر بسیار زیادی را برجای گذاشت که شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱-افزایش نقدینگی و پایه پولی و در نتیجه افزایش تورم دو رقمی در کشور
 - ۲-افزایش نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی ۳- کاهش پرداخت تسهیلات از طرف بانک‌ها
- با شدت گرفتن تحریم‌ها در سال ۱۳۹۰ به بعد و افزایش تورم در سال‌های ۱۳۹۱ (۳۰/۵) و ۱۳۹۲ (۳۴/۷) نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات به مرور زمان شروع به افزایش می‌کند. در واقع بانک‌ها در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی



هر اندازه منافع سرمایه‌گذاری بزرگ خارجی درگیر شود، در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی ایشان تاثیر گذار خواهد بود و قدرت چانه‌زنی کشور را افزایش خواهد داد. که این نقش مهمی در تحقق امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی کشور دارد. سرمایه‌گذاری خارجی نقش مجاری انتقال تکنولوژی به داخل را بازی می‌کند. در واقع تحریم‌ها با افزایش ریسک و نا اطمینانی، از یک سو موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشورمان شدند و از سوی دیگر، به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب کاهش یا قطع همکاری بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی فعال در داخل کشور شدند که در این راستا می‌توان به قطع همکاری شرکت‌های پژو و دوو با صنایع خودرو سازی کشور، خروج رویال داچ شل از پروژه فاز ۱۳ پارس جنوبی و توقف سرمایه‌گذاری شرکت توتال فرانسه در صنایع نفت و گاز ایران و ... اشاره کرد. (طاهرپور و امیری، ۱۳۹۵: ۱۹۸)

به طور کلی تحریم‌های اتحادیه اروپا بر علیه ایران بدین ترتیب بودند که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳ بیش از ۱۸۰ شرکت و شخصیت ایران در فهرست تحریمی قرار داده شدند. از ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۷، اتحادیه اروپا اقدام به اعمال محدودیت در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران کرد که در گسترش فناوری‌های موشکی و هسته‌ای کاربرد داشته باشد. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تعدادی از بانک‌های اروپایی به دلیل رابطه با ایران از سوی آمریکا جریمه شدند. نظیر پی‌ان‌پی، پارینا و اگریکول فرانسه و کومرتس بانک آلمان و یو بی اس سوئیس. دویچه بانک آلمان ۲۵۸ میلیون دلار جریمه شده است. در ۸ می ۲۰۱۹ به بانک‌ها و سرمایه‌گذاران و شرکت‌های اروپایی که با سیستم اینس تکس (SPV) با ایران تجارت داشتند، هشدار داده شد. در سال ۲۰۱۷ امکان دریافت بسیاری از فایل‌های نرم افزاری از شرکت‌های بین‌المللی، از درگاه اصلی این شرکت‌ها، برای IP‌های ایران ممکن نبود. (طارمی و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۳۶)

۵. اهداف و نقش تروئیکای اروپا در ژئوپلیتیک برجام

اتحادیه اروپایی و به خصوص سه کشور مطرح در زمینه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران اهداف ذیل را در دستور کار مذاکراتی خود داشته که خود فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران در برداشته است. از طرفی ایران نیز بدنبال ختشی سازی سیاست‌های خصمانه آمریکا، غیر امنیتی سازی پرونده هسته‌ای ایران و بهره‌گیری از فن آوری هسته‌ای به ویژه چرخه سوخت در سال ۱۳۸۲ وارد چانه‌زنی و مذاکره با اروپا در باره پرونده اتمی خود شد. در مجموع شش هدف را می‌توان از ادامه فرایند مذاکرات هسته‌ای اروپا با ایران نام برد:



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در سال ۱۹۹۸ رابین کوک وزیر امور خارجه موقت انگلستان که کشورش در آن زمان ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده داشت اعلام کرد که تصمیم وی مبنی بر استفاده از دوره ریاست انگلستان بر اتحادیه اروپا برای همکاری در زمینه همگرایی بیشتر سیاست اتحادیه اروپایی و آمریکا در قبال ایران، در زمینه نگرانی های مشترک واقعی از جمله تلاشهای ایران برای کسب سلاحهای کشتار جمعی و حمایت آن از تروریسم تاکید داشته است. کوک در پایان یادآور میشود که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاحهای کشتار جمعی و هسته ای هدف مشترک اتحادیه اروپا و آمریکاست. (Working toward a common US-European post on proliferation – issues) در بحث گسترش اتحادیه اروپا نیز شاهدیم که اگرچه محور پاریس برلین به سرکردگی آلمان و فرانسه به دنبال همگرایی بیشتر اتحادیه اروپاست اما انگلیس به دلایل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و هویتی و نیز در ارتباط نزدیک با آمریکا تمایلی به گسترش بیش از حد اروپا ندارد. آنچه جلب توجه می کند این است که ایران با سه کشور اتحادیه اروپایی بر سر پرونده هسته ای ایران مذاکره می کند اما در واقع ایران در حال مذاکره با چهار کشور و دو محور است. زیرا بریتانیا در بسیاری از موارد حافظ منافع امریکاست و در این گفتگوها منافع این کشور را نیز در نظر می گیرد. اما این نکته را نباید از خاطر دور داشت اگرچه انگلیس نزدیکی بالایی در زمینه سیاست خارجی با آمریکا دارد ولی هیچ موقع به گونه ای رفتار نمی نماید که از بین همتایان اروپایی خود به کلی طرد گردد. " (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۱۸۲) در همین راستا تونی بلر نخست وزیر انگلیس در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۴ به نحوی اظهارات ژنرال دوگل در شصت سال پیش از آن را تکرار می کند و می گوید: " شک ندارم که اگر قرار است اروپای آینده را آنچنان که شایسته است بسازیم برای هیچ یک از ما چنین امری ممکن نخواهد بود مگر این که به صورت قوی و تنگاتنگ با یکدیگر و به صورتی مشترک این کار را انجام دهیم". (خالوزاده، ۱۳۸۵: ۲۳۲). موضع کشور بریتانیا در دو برهه تاریخی امضای توافقنامه برجام، همچنین خروج آمریکا از توافقنامه مذکور بیانگر اهمیت این توافقنامه برای دستگاه سیاست خارجی انگلستان است. این کشور در هر دو برهه تمام سعی خود را برای انعقاد و حفظ برجام متمرکز نمود چرا که این توافقنامه در راستای اهداف سیاست خارجی این کشور و متحدانش نگاشته شده بود. مواضع انگلستان در طول دوازده سال مذاکرات هسته ای برجام نیز بیانگر همین مسئله است چرا که آنان بر این باور بودند که با این توافقنامه، بدون جنگ توانسته اند توانمندی هسته ای جمهوری اسلامی را محدودتر و بی اثر نمایند. بر اساس این توافقنامه، ایران به آژانس بین المللی انرژی هسته ای اجازه می داد تا با رعایت محدودیت های اعمال شده در برنامه هسته ای خود به جامعه بین المللی اطمینان دهد که این



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



برای حل آن مشکلات نیز باید پای میز مذاکره بنشینند. این راهبرد انگلستان حتی در بیانیه مشترک انگلستان، فرانسه و آلمان برای ترغیب آمریکا به باقی ماندن در برجام نیز قابل مشاهده است.

۲. حفظ ساختار تحریم ها برای اعمال فشار و اخذ امتیاز، بعد از امضای برجام:

در همین زمینه، فیلیپ هاموند در سال ۱۳۹۳ یعنی زمانی که همچنان مذاکرات هسته ای ادامه داشت بیزان کرد که بخش اعظم تحریم های مرتبط با هسته ای، علیه ایران باقی خواهد ماند. به همین دلیل بود که انگلستان علیرغم مخالفت ظاهری با اقدامات دولت جدید آمریکا، با به تأخیر انداختن همکاری اقتصادی با ایران، عملاً با آمریکا در اعمال فشار اقتصادی بیشتر علیه ایران همکاری کرد.

۳. تلاش برای جلب رضایت رژیم صهیونیستی و تبیین فواید برجام برای این رژیم:

یکی دیگر از راهبردهای انگلستان برای دستیابی به توافقنامه هسته ای با ایران، تأمین امنیت رضایت رژیم صهیونیستی بود. به همین دلیل در سال ۱۳۹۴ دیوید کمرون، نخست وزیر وقت انگلستان شخصاً با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی صحبت کرد و به وی اطمینان داد که در توافق نهایی از دستیابی ایران به سلاح اتمی جلوگیری خواهد کرد. بعد از امضای برجام، امنیت این رژیم، بیش از پیش تأمین خواهد شد.

۴. حفظ هماهنگی با دیگر کشورها برای اخذ امتیازات حداکثری از دولت ایران:

در این راستا دیوید کمرون در تماسی تلفنی با باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا و پوتین، رئیس جمهور روسیه بیان داشت که دستیابی به هدف مشترک کشورهای غربی در مذاکره با ایران، مستلزم هماهنگی اعضای مذاکره کننده است؛ به ویژه در زمانی که برای دستیابی به یک راه حل جامع بلند مدت که تضمین کننده صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران باشد، در تلاش هستند. انگلستان از جمله کشورهای ۱+۵ بود که همواره سعی می کرد هماهنگی اش با دیگر کشورها را در مذاکرات هسته ای حفظ نماید. به همین دلیل در آستانه صدر بیانیه لوزان، وزیر امور خارجه انگلستان در دیدار با همتایان فرانسوی، آلمانی و آمریکایی و نماینده عالی اتحادیه اروپا در مورد ایران سعی کرد با ارائه نظراتش پیرامون مذاکرات هسته ای، بیش از پیش با کشورهای مذکور هماهنگ شود تا برای دستیابی به توافق نهایی، آمادگی بیشتری داشته باشد.

۵. جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی توسط اخذ ضمانت های عینی از این کشور:

انگلیسی ها معتقد بودند که توانمندی هسته ای ایران به قدری باید محدود شود که حتی اگر ایران خواست بمب هسته ای بسازد، نتواند. به همین دلیل در آستانه صدر بیانیه لوزان، نخست وزیر انگلستان



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فرانسه بر اساس ایده آل های خود یکی از اعضای فعال سازمان ملل و هم چنین از پایه گذاران اصلی اتحادیه اروپا می باشد. (امینی، ۱۳۸۴: ۱۲۲) نقش جدی این کشور به همراه هم‌تایان بریتانیایی و آلمانی خود در قالب اتحادیه اروپا در پرونده هسته ای ایران برای مهار این بحران نیز ریشه در همین ایده ها دارد. ایران و فرانسه دو کشوری هستند که هر یک از پشتوانه تاریخی و فرهنگی غنی برخوردار می باشند و در منطقه خود از نفوذ و بازیگری قابل توجهی برخوردارند. فرانسه بدون در نظر گرفتن نقش ایران امکان در پیش گرفتن یک سیاست موثر در قبال منطقه خاورمیانه را پیدا نخواهد کرد و ایران نیز در صورتی که بخواهد با اتحادیه اروپا تعامل سازنده داشته باشد نمی تواند نقش فرانسه را نادیده بگیرد. در شرایط جدید بین المللی که وابستگی متقابل در عرصه روابط بین الملل بیش از هر زمان دیگر به چشم می خورد اتخاذ دیدگاه های یکسونگر نمی تواند کارساز باشد. از این رو تلاش برای ایجاد گروههای فشار نیز لازم است ماهیت دوجانبه داشته باشد. درست است که ایران در این زمینه چندان موفق عمل نکرده است اما فرانسه نیز در شناساندن خود و سیاستهایش به مردم ایران تلاش چندانانی به خرج نداده است. صرف نظر از اختلاف نظرهای سیاسی میان دولتها و بحران هایی که ممکن است هراز چندگاه در روابط دو کشور پدید آید می توان با تقویت پیوندهای دو ملت ایران و فرانسه بنیان روابط پایدارتری بین دو کشور را پایه ریزی کرد. (واعظی، ۱۳۸۷)

اختلافات زبانی و فرهنگی فرانسوی ها، آلمان ها و ایتالیایی ها با انگلیسی ها و امریکایی ها و از سویی این ذهنیت تاریخی که انگلیس پدر معنوی آمریکاست، همواره یک تعریف نانوشته و غیررسمی را از سیاست اروپایی و تمایز آن با سیاست امریکایی روی میز دیپلماسی قرار داده که براساس آن، صدای اروپا را باید از فرانسه، آلمان و ایتالیا شنید. در این میان، از آنجا که فرانسه در دوران جنگ سرد به طور نسبی توانست خود را اسیر هیچ کدام از ابرقدرت ها نکند، این کشور به مراتب به سیاست های اروپایی وفادارتر بود. پس از دوران جنگ سرد نیز فرانسه پیشرو تحقق ایده اتحادیه اروپایی بود، اما پرونده هسته ای ایران، آزمون مهمی بود تا هویت مستقل اروپایی فرانسه به اثبات برسد. در این آزمون سخت، فرانسه از یکسو در تماس های دیپلماتیک خود با رهبران ایرانی تاکید کرده که ایران باید شک و تردید را نسبت به نیات خود در زمینه فعالیت های هسته ای از میان بردارد و مکررا بر تعمیق روابط خود با تهران پای فشرده و ایران را حائز نقش مهمی در خاورمیانه شناخته است و ازسوی دیگر بارها اعلام نموده باید از دسترسی ایران به بمب اتمی جلوگیری به عمل آورد و دستیابی ایران به بمب اتم را یک فاجعه برمی شمارد. با این حال فرانسویان خود معتقدند باید ایران را در جهت انجام تعهدات بین المللی خود قانع



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمی‌گذاریم". (مصاحبه اختصاصی روز با برنارد کوشنر، ۱۳۸۶) فرانسه معتقد است افزایش فشار بر ایران بستگی به میزان همکاری این کشور با جامعه بین‌المللی و ارگان‌هایی همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد. کوشنر می‌گوید: "ما حد مشخصی را برای این فشار تعیین نکرده ایم. چرا که وضع تحریم‌ها اقدامی دیپلماتیک است که هدفش قانع کردن مقامات ایرانی به تبعیت از تعهدات بین‌المللی است. ما باید تشدید تحریم‌ها را توأم با آمادگی دائمی برای مذاکرات به جلو ببریم و تا جایی ادامه دهیم که ایران از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل پیروی کند. این تنها هدف تحریم‌های بین‌المللی است که به صورت سراسری، توسط اکثریت قاطع سازمانی که نماینده جامعه بین‌المللی است، یعنی شورای امنیت سازمان ملل، مورد تأیید قرار گرفته. این تحریم‌ها، به خودی خود، هدف نیستند و هیچ‌کس مایل نیست مردم ایران را تحت فشار بگذارد. ما از تاریخ غنی و میراث فرهنگی ایران و نیز از توان بالقوه اقتصادی و استراتژیک آن در خاورمیانه آگاه هستیم و تنها آرزویی که داریم توسعه روابط ویژه با ایران و تحکیم روابط دراز مدت میان ایرانیان و فرانسویان است. ولی تا زمانی که مقامات ایران از حرکتی که مورد انتظار جامعه بین‌المللی است سر باز می‌زنند، ما چاره‌ای جز تشدید تحریم‌ها نداریم. (مصاحبه اختصاصی روز با برنارد کوشنر، ۱۳۸۶)

با روی کار آمدن نیکلا سارکوزی در فرانسه در اردیبهشت ۱۳۸۶ این کشور شاهد تغییر قابل توجهی در زمینه سیاست خارجی بود. یکی از ویژگی‌های مهم این تغییر، رویکرد آتلانتیک‌گرایی رئیس‌جمهور جدید بود که با رویکرد سنتی گلیستی این کشور در تضاد قرار داشت. این تغییر جهت‌گیری در سیاست خارجی در رویکرد آن کشور نسبت به ایران نیز بی‌تأثیر نبوده است برای مثال در سوم مهرماه ۱۳۸۲ دومینیک دو ویلپن وزیر خارجه وقت فرانسه در قالب گروه تروئیکا با روحانی مذاکره‌کننده ارشد ایران در امور هسته‌ای ملاقاتی را انجام داد و در طی این ملاقات نخستین موافقتنامه با ایران در زمینه مسائل هسته‌ای به امضا رسید که باب گفتگو در خصوص همکاری‌های اقتصادی و سیاسی را نیز با ایران باز کرد. (رویکرد سیاست خارجی فرانسه به ایران، ۱۳۸۷) این پیشنهادات، علاوه بر در داشتن موارد مشخص در راستای ثبات و شکوفایی ایران، امنیت منطقه‌ای، اقتصاد، انرژی، کشاورزی، هوانوردی، محیط زیست و زیرساخت‌ها شامل پیشنهادات همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز نیز هست. تصمیم‌گیران سیاست خارجی فرانسه بارها اعلام نموده‌اند که: "ما ایلم مردم ایران بدانند که نیت ما هیچگاه محروم کردن آنها از دسترسی به انرژی هسته‌ای نبوده است." بر عکس رئیس‌جمهور فرانسه با اعتقاد به اینکه این نوع انرژی متعلق به آینده است، به برخی از کشورها، که به تعهدات بین‌المللی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منطقه خاور میانه از سوی دیگر خارج نشد. فعال ترین بازی سیاسی آلمان ها در برابر ایران در پرونده هسته ای ایران و در قالب گروه تروئیکای اروپایی به نمایش گذاشته شد. آلمان در مذاکرات اتحادیه اروپا با ایران تا نهایه شدن برجام چند هدف عمده را دنبال کرد: (۱) آلمان کوشید با حل و فصل بحران هسته ای ایران در قالب اتحادیه اروپا زمینه را برای تقویت هر چه بیشتر سیاست خارجی و امنیت مشترک اروپایی فراهم کند. برای آلمان این امر از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. (۲) هدف نهایه آلمان از حل و فصل بحران هسته ای ایران در قالب اتحادیه اروپایی فراهم کردن زمینه برای همگرایی هر چه بیشتر کشورهای اروپایی و کاهش اختلافات میان آنها به منظور برقراری ثبات و امنیت در اروپا و مرزهای آلمان بود. (۳) آلمان گرچه در جنگ آمریکا با عراق یکی از مخالفین بود اما در عین حال نیز مخالف افزایش تنش در روابط فرآتلانتیکی بود و لذا تلاش کرد تا با حل مشکل پرونده هسته ای ایران از افزایش شکاف بین آمریکا و اروپا جلوگیری کند.

آلمان در مقایسه با بریتانیا و فرانسه منافع مستقل کمتری را پیگیری می نماید که ریشه در مسایل تاریخی و نازیسم دارد. آلمانی ها با تاکید بر تقویت روند همگرایی اروپا به عنوان رکن سیاست خارجی در واقع می خواهند میان خود و اروپا و حتی آمریکا اعتمادسازی کنند زیرا در مورد آلمان همواره این نگرانی وجود دارد که این کشور در پی بازگشت به دوران هیتلر و هژمونی طلبی مجدد است. بعد از مخالفت آلمان با حمله آمریکا به عراق این دیدگاه توسط افرادی چون کسینجر مطرح شد. از این رو آلمان بیشتر از فرانسه و بریتانیا تاکید دارد موضوع هسته ای ایران از طریق اتحادیه اروپا حل و فصل گردد. به همین دلیل مقامات این کشور در مقایسه با مقامات فرانسه و بریتانیا کوشیدند تا پرونده ایران خارج از اتحادیه اروپا حل و فصل نگردد. آلمان مخالفت خود را بارها با مساله ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت اعلام نمود؛ زیرا با رفتن پرونده به شورای امنیت آلمان چندان نقشی را در آن ایفا نمی نماید. (برداشت اول، ۱۳۸۳: ۷۷ و ۸۸) آلمان در مساله هسته ای ایران، سیاستی بین المللی به کار گرفت. این کشور خود را به عنوان شریکی ثابت در کنار اعضای ۱+۵ برای کسب منافع مطرح نمود. از این حرکت آلمان دلایل آشکار و نیمه آشکار زیادی فهمیده می شود. دلیل نیمه آشکار این حرکت آلمان ناشی از تلاش در جهت ایجاد توسعه در روابط دو جانبه با ایران از یک سو و تحکیم روابط با آمریکا از سوی دیگر و هم چنین ائتلاف وقت برای نقش بین المللی خود با هدف عضویت دائم در شورای امنیت که به آن چشم دوخته است دانست. (چیت فروش، ۱۳۸۶: ۱) پس از قطع گفتگوهای ایران با همتایان اروپای اش، آلمان کماکان در گروه ۱+۵ به عنوان یکی از تصمیم گیران این پرونده باقی ماند. هر چند که آلمان



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی



که پیشینه آن به دهه های شصت و هفتاد از قرن گذشته باز می گردد دارند. ایران یکی از اولین کشورهای جهان سوم است که در شرکت های صنعتی بزرگ آلمان همچون گروه دایملر و غیره سهامدار شد. همچنین ویژگی ایران که سواحل جنوبی اش بر کرانه های خلیج فارس قرار گرفته از نگاه آلمان این کشور را به محور اصلی و مرکزی اولویت ها تبدیل می کند. خلیج فارس به دلیل منابع نفتی بسیار گسترده یکی از حساس ترین مناطق استراتژیک جهان محسوب می شود، و انرژی کشورهای صنعتی و در صدر آنها آلمان را تامین می کند. اهمیت ایران در بعد انرژی از نگاه آلمانی ها به دلیل منافع نفتی این کشور نیست بلکه آلمانی ها بیشتر منابع گاز طبیعی ایران را مد نظر خود دارند.

آلمانی ها از احتکار بازار گاز اروپا در دست روسیه و دقیقاً شرکت "گاز بروم" بسیار نگران هستند و مایلند با تنوع بخشیدن به منابع گازی خود، مواضع سیاسی خود را از واکنش های روسیه مصون دارند. بر کسی پوشیده نیست که نقش سیاسی آلمان در بخش بین المللی به طور اعم و در منطقه خاور میانه به طور اخص هرگز با وزن اقتصادی اش در صحنه بین المللی همگونی ندارد. آلمان نیز همانند فرانسه و انگلیس از ایجاد یک ایران مجهز به سلاح هسته ای حمایت نمی نماید. اگرچه دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته ای را حق ایران می داند اما معتقد است روند این دستیابی باید زیر نظر مستقیم آژانس بین المللی انرژی اتمی باشد و ایران باید همکاری های خود را در این زمینه افزایش دهد. آلمان با ارائه سوخت هسته ای مورد نیاز برای نیروگاههای ایران از سوی اروپا موافق بود و تامین سوخت هسته ای راکتورهای غیر نظامی را در راستای مقاصد صلح آمیز ارزیابی نمود و بر خلاف امریکا که این مساله را موجب انحراف ایران به سمت سلاح های هسته ای می دانست قبول نداشت. (دهشیری، ۱۳۸۴: ۲۸۶)

آلمان اگرچه نقش قابل توجهی در ایجاد ابتکار در برجام نداشت اما نقش خود را به عنوان کاتالیزور و عامل تاثیر گزار در جریان اقیانوس ایران برای همکاری به خوبی ایفا نمود. آلمان از طرفی خواهان مصالحه هسته ای بود و از سوی دیگر از عضویت ایران در گروه دارندگان چرخه سوخت هسته ای در صورت اقدامات اعتماد ساز تهران حمایت نمود.

۶. بررسی تطبیقی دیدگاه سه کشور اروپایی نسبت به مساله هسته ای ایران و برجام

سه کشور اروپایی که به نمایندگی از اتحادیه اروپا در موضوع هسته ای ایران نقشی فعال را بر عهده گرفته اند. در بسیاری از زمینه ها دارای اشتراک نظر و نماینده یک ایده می باشند اما در برخی از موارد نیز دارای دیدگاهی متفاوت می باشند که آن را در نقطه نظرات خود منعکس نموده اند. به عنوان نمونه، انگلیس به دلیل نزدیکی دیدگاهی که در بیشتر زمینه ها با امریکا دارد و به دلیل تعریف منافع خود در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی



آلمان	دنباله رو دو عضو دیگر	تاکید بر گفتگو، مذاکره و دیپلماسی، سیاست تشویق و در صورت جواب ندادن سیاست تنبیه	جهت دادن به همکاری های اروپایی در حل و فصل بحران هسته ای، تلاش جهت همگرایی کشورهای اروپایی، تثبیت نقش اژانس انرژی اتمی، تعدیل مواضع تند آمریکا در قبال ایران	تقویت همگرایی در بین اعضای اتحادیه اروپا، تبدیل اتحادیه اروپا به قدرت برتر در جهان، جلوگیری از شکل گیری ایران هسته ای در منطقه	همراهی با انگلیس و فرانسه در مذاکره و دیپلماسی مسالمت آمیز با ایران، افتراق در هدف با انگلیس، تاکید بر نقش اژانس بین المللی انرژی اتمی
-------	-----------------------	---	--	--	--

نتیجه گیری

آمریکا و تروئیکای اروپا دارای تأثیرگذاری زیادی در مسائل مهم بین المللی از جمله پرونده هسته ای جمهوری اسلامی و برجام بودند. اتحادیه اروپا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران پرونده هسته ای ایران در طول سالهای پر فراز و نشیب این بحران، اقدامات متفاوتی را در جهت حل این مناقشه به روش خاص خود داشته است. اگرچه آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی پس از جنگ سرد خواهان اعمال مکانیزم ماشه و سیاست تهاجمی علیه ایران بود اما اروپاییان تلاش خود را به کار بستند تا با سیاست مصالحه، صبر، مذاکره و دیپلماسی هدف خود را که تعلیق نامحدود غنی سازی از سوی ایران بود جامه عمل بپوشانند. پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران، امضای گام به گام سه موافقت نامه پاریس، تهران و بروکسل، تبادل بسته های پیشنهادی میان دو طرف و حمایت از ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت از سوی اروپا پس از اقدام ایران مبنی بر از سر گیری غنی سازی اورانیوم تلاش اروپاییان را در جهت حل این بحران نشان می دهد. اشتیاق اروپا بعد از تصویب قطعنامه های متعدد شورای امنیت علیه ایران جهت بازگشتن به میز مذاکره، درخواست از ایران برای همکاری بیشتر با اژانس بین المللی انرژی اتمی در زمینه فعالیت های هسته ای اش و دادن مشوق های اقتصادی جهت اقناع ایران برای ترک غنی سازی اورانیوم نشان از عزم اروپاییان برای حل این مساله در قالب اتحادیه اروپا بود. اروپاییان برخلاف آمریکایی ها پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران را یک اقدام الزام آور و قانونی نمی دانستند بلکه آن



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مواجهه اتحادیه اروپا با تحریمهای ثانویه به چالشی در سیاست خارجی آن تبدیل شد و وجه این کشورها در پایبندی به معاهدات بین المللی را تحت تأثیر قرار داد، از سوی دیگر، اروپایی ها به این امر واقف بودند که آمریکا به عنوان یکی از بزرگترین شرکای مالی و تجاری آنها می تواند از بازار خود به عنوان یک سلاح یا منبع قدرت سیاسی بر علیه آنها استفاده کند. به همین دلیل بود که به دنبال تهدید به تحریمهای ثانویه علیه نهادهای اروپایی، شاهد خروج شرکتهای اروپایی از ایران و نادیده گرفتن تعهدات و توافق برجام با آنها بودیم. اروپاییها در ابتدا به دنبال اقدامات متقابل با هدف محدود ساختن اثرات تحریمها بر منافع تجاری و راهبردی خود بودند اما قادر به تغییر مواضع واشنگتن نشدند و علیرغم اعلام حمایت دولتهای فرانسه، آلمان و انگلیس از برجام؛ بخش خصوصی اروپا از ترس تحریم های آمریکا از ایران خارج شد زیرا اروپا قدرت سیاسی و اقتصادی برای دفاع از توافق هسته ای در مقابل آمریکا را نداشته و آنها بین دسترسی به بازار ایران و دسترسی به بازار آمریکا که عایدی حاصل از آن ۴۵ برابر ایران می باشد، دسترسی به بازار آمریکا را ترجیح دادند. بنابراین شرکتهای توتال، پژو، جنرال الکتریک، هانیول و لوک اویل از ایران خارج شدند. کاهش ۷۶ درصدی تجارت اروپا با ایران در نیمه اول سال ۲۰۱۹، حاکی از ناتوانی اروپاییها در مقابل آمریکا و عدم پایبندی آنها به تعهدات برجامیشان بود. بر این اساس، اروپایی ها نتوانستند در رابطه با برجام و جمهوری اسلامی ایران مستقل عمل کنند. دولت بایدن نیز در این چهار سال براساس سنت «تداوم در سیاست خارجی» آمریکا تحریمهای علیه ایران را ادامه داد. لذا مذاکره کنندگان ارشد جمهوری اسلامی نیز باید با توجه به این واقعیت پای میز مذاکره قرار بگیرند. درواقع، نگاه دیپلماتهای ایرانی باید از دستاورد نسبی به سمت دستاورد مطلق در این معادله تغییر کند.

منابع

- آقایی، سید داوود (۱۳۸۶)، اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سرای عدالت.
- آهنی، علی (۱۳۸۶)، روند شکل گیری اتحادیه اروپایی و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اروپا، تهران: انتشارات دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اسکندریان، مهدی (۱۳۸۳)، گزیده تحولات جهان (تاملی بر روابط ایران و اتحادیه اروپایی)، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



حاجی مینه، رحمت و اکرم صالحی (۱۳۹۷)، "تجزیه و تحلیل دو گفت‌وگو متعارض اروپا و آمریکا در قبال برجام"، فصلنامه علمی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۱.

دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۸۴): "گفت و گوی هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)", اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال نوزدهم، شماره هفتم و هشتم.

سلمانی جلودار، یونس؛ کیهان برزگر، مهدی ذاکریان و حمید احمدی (۱۳۹۹)، "بررسی تاثیر برجام بر سیاست و راهبردهای منطقه ای ایران: تداوم یا تغییر"، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، شماره ۵۹.

شکوه، حسن (۱۳۹۵)، «برجام و صنعت نفت و گاز کشور» برجام، سیاست‌ها، دست آورد ها، الزامات، مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره چهارم.

صفوی، مجید (۱۳۹۸)، "بررسی مسؤلیت ایالات متحده آمریکا ناشی از تحریم‌های اقتصادی ایران"، فصلنامه علمی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم.

طاهری پور، جواد (۱۳۹۵)، «اثرات برجام بر حوزه پولی و مالی کشور»: برجام، سیاست‌ها، دست آورد ها، الزامات، مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره چهارم.

طاهری پور، جواد و سارا امیری (۱۳۹۵)، «برجام و سرمایه‌گذاری خارجی» برجام، سیاست‌ها، دست آورد ها، الزامات، مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره چهارم.

Hanns Maull and Sebastian Harnisch, Germany as civilian power? The Foreign policy of the Berlin Republic, (Manchester, England: Manchester University press, 2001)

Jocchmmkruus,, uu llllrrrr ssssnus hhhhhnd Europaans V,,,,", , Washington Quarterly, Spring 2004.

Johnson, Whllll (1967), "E. ... Crrr's Thoory of Inrrrrnooon Roooooos Crqqqqe", The Journal of Politics, Vol. 29, No. 4

kkk mmmnn ssss nn (2012) HHb nnnnooon ff fcc Irnn's Eoomy", Council on Foreign Relations.

Lew, Jccob (2015) TThiii mony of Traasury rrrr rrrry Jccob .L bffor hh snnee oorggg Rooooooomm n hh Iran uu aaar gg reemnt", U.S Department of the Treasury.

Lee, Carlo and Solomon, Jay (2016), U.S Seeks to Use Business to lock in Iran Deal, The Wall Street Journal.

Piri, M; Sohrabi, R (2019). U.S. extraterritorial sanctions in relation to Iran and its compatibility with the rules of the World Trade Organization, Public Law Studies Quarterly, Volume 50, Issue 4.

Stoll, T; Blockmans, S; Hagemejer, J; Hartwell, C; Gott, H; Karunska, K; Maurer, A (2020). Extraterritorial sanctions on trade and investments and European responses, European Parliament.

Tagliabue, John (7 May 2010). "Man in the News; A Leader to Lean On; Jean-Pierre Raffarin", New York Times.

Lowy Institute (2018.01.09). European companies driven out of Iran, Extract date: 2020.09.08, <https://www.lowyinstitute.org>



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی